

الگوی مطلوب تقریب، از نظریه تا تطبیق

الگوی مطلوب تقریب؛ از نظریه تا تطبیق

محمد تقی سبحانی

برای دستیابی به الگوی تقریب، باید پیشتر یک نظریه عام در تبیین وحدت اسلامی ارائه کرد و سپس در پرتو آن نظریه و متناسب با سطوح و گونه‌های وحدت، به طراحی الگوهای خاص از وحدت اسلامی اقدام ورزید.

اما برای شناخت نظریه وحدت اسلامی، توجه به محورهای زیر ضروری است:

۱- اصول حاکم بر نظریه وحدت اسلامی

۱. ارزش وحدت: وحدت در منطق عقل و وحی، ارزش ذاتی ندارد؛ بدین معنا که وحدت با دیگران به خودی خود یک اصل ارزشمند و ارزش‌آفرین نیست بلکه اعتبار و اهمیت خویش را از ارزش‌های دیگر می‌گیرد.

«وحدت» به دو رکن نیازمند است که یکی «محور وحدت» و دیگری «غایت وحدت» است و در صورتی که دست کم یکی از این دو رکن، از نظر عقل و شرع، ارزشمند باشد، وحدت نیز ارزشمند خواهد بود.

به بیان دیگر، وحدت در معنای مورد نظر ما، یک «مفوله ب‌رداری» است و بدون توجه به نقطه مبدأ و جهت، قابل تحقق نیست.

۲. مراتب و گونه‌های وحدت: وحدت یک «مقوله مشکک» نیز هست و متناسب با سه عنصر: اهداف، کنشگران و مخاطبان، سطوح مختلف و گونه‌های گوناگون می‌پذیرد؛ بنابراین ارزش و اعتبار وحدت در هر گونه، تنها به ارزشمندی در همان دو رکن (محور و غایت وحدت) بستگی دارد و باید بنای وحدت را بر همان اساس گذاشت و پی‌گرفت.

از این رو، خلط میان گونه‌ها و لایه‌های مختلف وحدت و عدم رعایت حدود و معیارهای هر کدام، به معنای بی‌ارزش کردن وحدت و ناکارآمد ساختن آن است.

۳. فرایندی بودن وحدت: وحدت در میان جوامع انسانی، یک موضوع بسیار پیچیده و معلول مجموعه‌ای از شرایط معرفتی، سیاسی و تاریخی است و تنها در سایه بسته‌ای از اقدامات هماهنگ و حساب‌شده به صورت تدریجی تحقق خواهد یافت. از این رو، باید بیاد داشت که وحدت همچون اختلاف، یک مقوله فرایندی است که طراحی مراحل و لایه‌های آن، نیازمند پیش‌بینی است.

۴. اصل حق محوری: از مهم‌ترین ارزش‌های ذاتی در حیات انسانی، «حقیقت‌جویی» و «حق‌پوئی» است و بسیاری از ارزش‌های دیگر، در پرتو همین نظام حق و باطل، معنا و مفهوم می‌یابد.

تلاش برای دستیابی به حق و دوری از باطل، یک قاعده اساسی فطری و عقلی است و هیچ ارزش دیگری یارای معارضة با این اصل را ندارد و به هیچ بهانه نمی‌توان بشر را از پی‌جویی حقیقت محروم کرد.

۵. اصل تولی حق و تبری از باطل: حمایت از حقیقت و مخالفت با اندیشه و عمل ناصواب، یک قاعده عقلی و فطری است و در واقع، امتداد و پیامد همان اصل حق‌گرایی است.

این اصل را تنها در صورتی که با یک امر اهم در تزاخم قرار گیرد، می‌توان چشم پوشی کرد.

پذیرش حق و پرهیز از باطل، البته نشانه‌ها و پیامدهائی دارد که «گرایش و وازنش» و «نصرت و مقاومت» از لوازم آن می‌باشد. این امور را اصطلاحاً «تولی و تبری» می‌گویند.

به گمان ما، این اصل در بین همه باورمندان به مکاتب الهی و حتی مکاتب بشری امری مقبول و یا دست کم معمول است.

۶. اصل تقیه: تقیه به معنای «تامین اهداف با کمترین هزینه» یکی از احکام عقلی و شرعی است که از همان آغاز در دستور کار اهل بیت(ع) و پیروان ایشان قرار گرفته است. تقیه بر پایه اصل عقلی «ترجیح اهم و مهم» استوار است و از این رو تنها به صورت موقت و اقتضائی اعمال می‌گردد، وگرنه به فراموشی و فروپوشی حقیقت و بلکه به فروپاشی جبهه حق خواهد انجامید.

با این وصف روشن می‌شود که تقیه یک اصل عملی است و معنائی گسترده‌تر از تقیه خوفی و مداراتی دارد.

۷. اصل حرمت مسلمان: حرمت خون، مال و عرض مسلمان از معارف مسلم اسلامی است که در آیات شریفه و روایات متواتر نزد شیعه و سنی بر آن تاکید شده و پایه اساسی همزیستی اسلامی و حفظ کیان امت است. از این روست که هر کس با اعتراف زبانی به ارکان عقیده، عضوی از جامعه اسلامی به حساب می‌آید و تکفیر و تهدید او امری ناشایست و نامشروع است، مگر آن که ضروری دین یا رسالت پیامبر(ص) را انکار کرده باشد و یا به باوری که مستلزم انکار رسالت است، تن در دهد.

اجرای عدالت مدنی و رعایت حق شهروندی برای آحاد مسلمانان، یکی از وجوه این اصل اساسی است.

۸. اصل تحمل و تعامل اخلاقی: یکی از دستورات قرآن و توصیه‌های اکید نبی اکرم(ص) و اهل بیت مکرم(ع)، خوشرفتاری با مسلمانان و همدلی و همدردی با آنان در زندگی فردی و اجتماعی است. دستور به دیدار با دیگر مسلمانان و شرکت در مجالس مصیبت آنان، عیادت از بیماران و نیز ادای امانت و عدم غیبت و تهمت به آنان از جمله مصادیقی است که بارها بدان تصریح شده است. همچنین حمل به صحت در رفتار مسلمان و احتمال معذوریت و محدودیت او و رعایت استضعاف فکری و روحی، از جمله توصیه‌های اخلاقی کتاب و سنت در حق دیگر مسلمانان است.

۹. مشارکت بر محور مشترکات: خرد و تجربه تاریخی بشر به ما می‌آموزد که انسان برای دستیابی به اغراض خویش نیازمند همکاری با هموعان است و تا جایی که ارزش‌های اساسی را خدشه دار نسازد، باید بر پایه مشترکات اخلاقی و فکری و نیز بر محور مصالح مشروع، با دیگران به تفاهم و تعامل پرداخت. قرآن کریم مسلمانان را به اعتصام به حبل الهی و تعاون بر نیکی و خیر فراخوانده و آنان را از دوستی با کفار نهی کرده است. ضرورت اتخاذ استراتژی‌های مشترک در برابر کفار و تلاش برای تامین نیازمندی‌های اقتصادی و رشد و اعتلای مادی و معنوی جامعه اسلامی، از جمله وجوه این اصل قرآنی است.

۱۰. اصل پذیرش اختلاف: این واقعیت را باید پذیرفت که اختلاف در جامعه اسلامی همواره وجود داشته و خواهد داشت و علی‌رغم تلاش بایسته برای کم کردن اختلافات، باز هم نمی‌توان به حذف اختلاف‌ها امید بست. از این رو، این تجربه بلند بشری را باید نصب‌العین خویش داشت که مخالفان را تحمل کرد و برای حل اختلافات فکری و عملی با روش‌های حکیمانه به چاره‌اندیشی پرداخت

توجه: از میان محورهای ده‌گانه، سه اصل نخست به تبیین ماهیت وحدت اختصاص دارد و سه اصل بعدی به منطق همگرایی فکری و معرفتی ناظر است و چهار اصل اخیر به حوزه رفتار و روحیات مربوط است.

۲- نظریه عمومی وحدت اسلامی

با توجه به اصول یادشده می‌توان یک نظریه عمومی و سه الگوی وحدت اسلامی را استخراج کرد. نظریه و الگوهای تقریبی باید با اصول بالا همخوانی کامل داشته و هیچ یک از اصول را نقض نکنند.

نظریه عام تقریبی را با مولفه‌های زیر می‌توان معرفی کرد:

۱. پیشبرد همزمان پروژه وحدت اسلامی در دو جبهه عملی و فکری ضروری است و همکاری در حوزه مشترکات با وجود گفت‌وگوی جدی در حوزه اختلافات فکری و علمی باید استمرار یابد.

۲. جداساختن سه حوزه همکاری، همزیستی و همفکری در پروژه وحدت، بر اساس سه شاخص اهداف، کنشگران و مخاطبان و عدم خلط میان آنها و واسپاری هر حوزه به کنشگران ویژه آن، از پایه‌های اصلی نظریه وحدت اسلامی است. فروپوشی حقیقت و یا پرده‌پوشی بر واقعیت، یکی از آسیب‌های جدی در راه رسیدن به یک تعامل فعال و شفاف است.

۳. حوزه «همکاری‌های جهان اسلامی» از منطق مدیریت سیاسی تبعیت می‌کند و با تکیه بر مشترکات موجود و بر محور مصالح سیاسی و اقتصادی، به پیمان‌های رسمی و غیررسمی می‌انجامد. کنشگران در این حوزه رهبران سیاسی و یا قدرتمندان در طوائف و اقوام در درون کشورهای اسلامی هستند؛ و اولویت در این بخش، پشتیبانی از کیان مسلمین در مقابل جبهه کفر و شتاب بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در جوامع اسلامی است.

۴. حوزه «همزیستی اجتماعی مسلمین» از اساس یک مقوله اجتماعی است و از منطق تعایش و تعامل میان

گروه‌های اجتماعی و سیاسی پیروی می‌کند. در این لایه، کنشگران اصلی همان آحاد جامعه اسلامی و یا نخبگان اجتماعی اند و شیوه همگرایی، برقراری روابط عاطفی و اخلاقی بر پایه مشترکات اعتقادی و فقهی موجود میان آنها است. اولویت در این بخش، بالا بردن ظرفیت‌های روحی و رفتاری در میان مردم به منظور پذیرش اختلاف و جلوگیری از نفوذ تفکرات تکفیری و برهم‌زدن آسایش و آرامش مردم مسلمان است.

۵. حوزه «همفکری میان علمای مسلمین» به منظور بحث بر سر موارد اختلاف و یا موضوعات مورد ابتلاء است. این بخش که شایسته نام تقریب بین مذاهب است، جزء جدائی‌ناپذیر پروژه وحدت اسلامی می‌باشد که با دو هدف زیر صورت می‌گیرد: (۱) روشنگری درباره آموزه‌های مذهبی و برطرف کردن ابهامات و اتهامات و نیز کم‌کردن اختلافات اعتقادی و فقهی و (۲) بررسی معضلات و مشکلات علمی و عملی مهم در جهان اسلام و ارائه راهکارهای اسلامی از سوی مذاهب.

کنشگران در این عرصه، تنها نخبگان دینی و مذهبی هستند که با ایجاد تفاهم بیشتر به تدریج تاثیرات آن در محیط اجتماعی و سیاسی نیز نمودار می‌گردد. شیوه پیشبرد این پروژه، گفت‌وگوهای روشمند و جدی در فضای دوستانه و حقیقت‌جویانه است و از دخالت عناصر سیاسی در این فرایند پرهیز می‌شود و تبلیغات رسانه‌ای و کشاندن پای غیر متخصصان در این عرصه سخت آسیب‌ساز است.

۳- به سوی یک الگوی جدید برای تقریب مذهبی

با توجه به کلان‌نظریه وحدت اسلامی، اینک باید به طراحی سه الگوی عملیاتی برای سه حوزه یادشده (همکاری، همزیستی و همفکری) پرداخت. البته این طراحی نیازمند بررسی‌های میدانی و بهره‌گیری از نگاه‌های کارشناسی است.

در این جا تنها در خصوص الگوی تقریب که حوزه سوم بود، به بیان محورهای می‌پردازیم:

۱. الگوی تقریب، نیازمند یک «سناریوی محتوایی» است که نقطه عزیمت و اولویت‌های موضوعی را به صورت پلکانی و پیش‌برنده نشان دهد. در این خصوص، تاکنون چند سناریو از سوی علمای شیعه و سنی پیشنهاد شده است که از جمله سناریوی خلافت اسلامی (علامه شرف‌الدین)، مرجعیت علمی (ایت‌الله بروجردی) و نوسازی میراث حدیثی و تاریخی (علامه عسکری) و ... بوده است.

۲. الگوی تقریب نیازمند یک «نقشه راه عملی» نیز هست که ظرفیت‌ها و فرصت‌ها را نشان دهد و مسیر

حرکت و مخاطرات فراروی را بنمایاند. البته این محور را در قالب یک برنامه ریزی راهبردی باید طراحی و ارائه کرد.

۳. گفت‌وگو در این سطح نیازمند یک «شیوه^۰ شناخت ویژه تقریب» است که روش بحث تقریبی را با رعایت حساسیت‌ها و با ترغیب اطراف گفت‌وگو به ادامه بحث پیش‌نهاد کند. ایجاد فضاهای متنوع فیزیکی و مجازی کنترل شده، با تاکید بر چندجانبه‌گرائی و کاربردی بودن برنامه گفت‌وگوها، از دیگر ویژگی‌های این شیوه شناخت است.

منبع: پایگاه اینترنتی اجتهاد <http://ir.ijtihadnet/>